

بانکداری اسلامی و عدالت اجتماعی

محمد علی متانی*
بهار گلکار اسمعیل**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

چکیده

بانک‌های اسلامی برخلاف بانک‌های متعارف که هدف اصلی آنها حداکثرسازی سود از طریق تسهیلات ارائه‌شده است، ملزم به رعایت برخی اصول همچون: ممنوعیت ربا (بهره)، ممنوعیت غرر، ممنوعیت کسب درآمد از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیرقانونی؛ اصل تسهیم سود و زیان؛ و اصل پشتوانه دارایی‌اند که این امر منجر به تمایز این نوع از بانکداری از بانکداری متعارف می‌شود. از سوی دیگر، کلیه قراردادهای مالی در اسلام مبتنی بر اصل عدالت است و عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین اهداف نظام بانکداری اسلامی به شمار می‌رود. توزیع عادلانه ثروت؛ تأمین مایحتاج زندگی برای نیازمندان؛ ایجاد برابری در دسترسی به منابع مالی و حمایت از ضعف در برابر مشکلات اقتصادی از جمله اهداف عالی عدالت اجتماعی است که بانکداری اسلامی می‌تواند به تحقق آن کمک کند. در این پژوهش برآنیم تا ضمن بررسی تمایزات موجود میان بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف و مروری اجمالی بر اصول بنیادین بانکداری اسلامی، تأثیر این اصول در استقرار هرچه بهتر عدالت اجتماعی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و به این پرسش پردازیم که آیا سازوکارهای بانکداری اسلامی از کارایی لازم برای تحقق عدالت اجتماعی برخوردارند؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

کلیدواژه‌گان:

بانکداری اسلامی، شمول مالی، اعتباردهی خرد، تسهیم سود و زیان، توزیع عادلانه ثروت.

* دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ma.matani@ut.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

b2020esmail@yahoo.com



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

بانکداری و مالیه اسلامی در چند سال اخیر به دلیل عملکرد قوی این بخش، به‌ویژه در خلال بحران مالی جهانی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. بانکداری اسلامی به فعالیت‌های مالی و بانکی گفته می‌شود که با قوانین اسلام مطابقت داشته باشد. این نوع از بانکداری از دهه ۱۹۷۰ رشد سریعی را تجربه کرده و به‌عنوان جایگزینی اخلاق‌مدار برای بانکداری متعارف شهرت یافته است. بانک‌های اسلامی کلیه خدمات بانکداری تجاری را در چهارچوب شریعت ارائه می‌دهند. تمایزات زیادی میان بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف وجود دارد که «تسهیم سود و زیان»، ممنوعیت ربا، و ممنوعیت غرر از جمله مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. اغلب از بانکداری اسلامی با عنوان بانکداری بدون ربا یاد می‌شود؛ لیکن ذکر این نکته ضروری است که بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری اسلامی قلمرو محدودتری دارد. بانکداری بدون ربا به تعدادی از ابزارها یا عملیات بانکی اشاره می‌کند که از بهره اجتناب می‌کنند؛ حال آنکه، اصطلاح بانکداری اسلامی مفهومی عام‌تر است که نه فقط به‌دنبال اجتناب از معاملات مبتنی بر بهره بوده، بلکه هدف از آن جلوگیری از هرگونه اقدام مالی غیراخلاقی و ضداجتماعی است.

توجه به اهداف خاص اجتماعی به نفع جامعه به‌عنوان یک کل، از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام مالی در اسلام است و عدالت اجتماعی و اقتصادی از جمله مؤلفه‌های کلیدی آن به شمار می‌رود. درحالی‌که نظام مالی متعارف عمدتاً بر جنبه‌های مالی و اقتصادی معاملات تمرکز دارد، در نظام مالی اسلام علاوه بر مؤلفه‌های مالی و اقتصادی، اهمیت فراوانی برای ابعاد اخلاقی، اجتماعی و دینی بازار در نظر گرفته شده است. «اصل طلایی انتخاب آزاد»^۱ در اسلام تمامی فعالیت‌های اقتصادی را در چارچوب حفظ و حراست از منافع عمومی جایز می‌داند و مطابق با آن هیچ معامله‌ای منع نمی‌شود، مگر متضمن ظلم یا بی‌عدالتی باشد. عدالت اجتماعی به معنای دسترسی برابر همه افراد جامعه به رفاه، ثروت، سلامت، امتیازات و فرصت‌ها است و توزیع عادلانه ثروت، اشتغال‌زایی، کمک به تأمین مایحتاج اولیه زندگی، ایجاد برابری در دسترسی به منابع مالی و حمایت از ضعفا در برابر مشکلات اقتصادی از جمله اهداف عالی آن به شمار می‌رود. از مؤسسات

1. Golden Principle of Free Choice

بانکی و مالی نیز مانند سایر بخش‌های جامعه اسلامی انتظار می‌رود که در دستیابی به مهم‌ترین اهداف اجتماعی-اقتصادی اسلام همچون: ایجاد رفاه اقتصادی توأم با اشتغال کامل و نرخ بالای رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی-اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت، و بسیج و سرمایه‌گذاری پس‌انداز برای توسعه اقتصادی (به نحوی که بازده عادلانه برای تمامی طرفین تضمین گردد) مشارکت بسزایی داشته باشند.^۱

پرسش اینجاست که بانکداری اسلامی چگونه سازوکارهایی در جهت دستیابی به این اهداف دارد و این سازوکارها به چه میزان در تحقق این اهداف مؤثرند؟ در این پژوهش در گام نخست به بررسی ماهیت، اصول، اهداف و روش عدالت اجتماعی می‌پردازیم، سپس ضمن مرور ماهیت بانکداری اسلامی و اصول و مبانی آن، نقش این اصول در استقرار عدالت اجتماعی و همچنین سازوکارهای بانکداری اسلامی در راستای برقراری هر چه بهتر عدالت اجتماعی را مورد تبیین قرار خواهیم داد.

۱. عدالت اجتماعی

۱.۱. خاستگاه و تعریف

عدالت اجتماعی^۲ اصطلاحی جدید است که به‌کارگیری آن به آغاز قرن نوزدهم میلادی و دوران انقلاب صنعتی بازمی‌گردد. لوئیجی تاپارلی^۳، کشیش یسوعی ایتالیایی، برای نخستین بار در سال ۱۸۴۰ م. این اصطلاح را به کار برد. وی به دنبال اصلاح بی‌عدالتی‌هایی بود که بر اقشار محروم و آسیب‌دیده آن دوران تحمیل می‌شد.^۴ نخستین مدافعان عدالت اجتماعی بر موضوعاتی همچون سرمایه، دارایی و توزیع ثروت تمرکز داشتند؛ لیکن با آغاز قرن بیستم میلادی مفهوم عدالت اجتماعی شکل گسترده‌تری به خود گرفت و به حوزه‌هایی همچون حیات اجتماعی، نژاد، قومیت، جنسیت و سایر معضلات ناشی از نابرابری راه یافت.^۵ این اصطلاح تا به امروز در

1. Hassan, M.K. & Lewis, M.K., *Handbook of Islamic Banking*, Edward Elgar Publishing Limited, 2007, p 2.

2. Social Justice

3. Luigi Taparelli

4. Angelle, P., *A Global Perspective of Social Justice Leadership for School Principals*, Information Age Publishing, 2017, p 22.

5. Perrin, K. M., *Working in Community Health: Foundations for a Successful Career*, Jones & Bartlett Learning, 2023, p 56.

حوزه‌های متعددی همچون حقوق، روان‌شناسی، فلسفه، آموزش، مددکاری اجتماعی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، جغرافیا، و سیاست‌گذاری عمومی به کار گرفته شده و هریک از این رشته‌ها با رویکرد مختص به خود به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند. اندیشه‌وران برای عدالت اجتماعی تعاریف گوناگونی همچون: توازن، تساوی، مراعات شایستگی افراد، بی‌طرفی، «اعطای کل ذی‌حق حقه» و «وضع الشيء فی موضعه» ذکر کرده‌اند.^۱ عدالت اجتماعی در واقع نوعی پاسخ به آن دسته از شرایط اجتماعی است که منجر به نابرابری در دسترسی افراد به سود و زیان شده است.^۲

عدالت اجتماعی بدین معناست که همه شهروندان در قبال منافع عمومی تعهداتی دارند. هدف از عدالت اجتماعی ایجاد جامعه‌ای است که در آن هیچ فردی از مایحتاج و نیازهای اساسی محروم نباشد. عدالت اجتماعی در معنای وسیع آن به تخصیص عادلانه فرصت‌ها، تعهدات، مزایای اجتماعی، حمایت‌ها و حقوق بشر اشاره دارد و همچنین متضمن پذیرش و رفع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش برای از میان برداشتن ظلم و زدودن تمامی آشکال تبعیض مبتنی بر نژاد، قومیت، جنسیت، ملیت، مذهب، عقیده و مواردی از این دست است.^۳ واژه‌نامه آکسفورد عدالت اجتماعی را به معنای ایجاد جامعه‌ای عادلانه و برابر می‌داند که در آن تمامی افراد دارای اهمیت بوده، حقوقشان به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گیرد و تصمیمات به شیوه‌های منصفانه و صادقانه اتخاذ شود.^۴

واژه‌نامه میریام ویستر^۵ در تعریف عدالت اجتماعی آن را به معنای وضعیت یا دگرترین «برابری طلبی»^۶ در نظر گرفته است. برابری طلبی، باور به برابری افراد بشر به‌ویژه در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، و نوعی فلسفه اجتماعی است که خواستار حذف نابرابری‌ها در میان مردم است.^۷ سازمان ملل متحد عدالت اجتماعی را اصل اساسی در همزیستی مسالمت‌آمیز

۱. توسلی، حسین، *مبانی نظری عدالت اجتماعی*، انتشارات مدیریت بهره‌وری بنیاد مستضعفان و جانبازان، ۱۳۷۵، صص ۵۹ - ۱۸۲.

2. Chung, R., & Bemak, F., *Social Justice Counseling: The Next Steps Beyond Multiculturalism*, Sage, 2012, pp 26-28.

3. Reisch, M., *The Routledge International Handbook of Social Justice*, Routledge, 2014, pp 269-270.

4. Park, C., & Allaby, M., *Oxford Dictionary of Environment and Conservation*, Oxford University Press, 2013, p 397.

5. Merriam - Webster

6. Egalitarianism

7. Riele, K., et al., "Incarcerated Young People", *Education and Social Justice*, Springer, 2023, pp 14-15.

و مطلوب در کشورها و میان ملت‌ها دانسته و معتقد است که پیشبرد عدالت اجتماعی منوط به رفع موانع جنسیتی، سنی، نژادی، دینی، قومی، و فرهنگی است.^۱ مطابق با سازمان بین‌المللی کار^۲ عدالت اجتماعی بدین معناست که همهٔ افراد بشر صرف‌نظر از نژاد، عقیده یا جنسیت، حق دارند هم رفاه مادی و هم رشد معنوی خود را آزادانه و همراه با عزت و کرامت در شرایطی که در آن امنیت اقتصادی و فرصت‌های برابر حاکم است، دنبال کنند.^۳

۱.۲. اصول عدالت اجتماعی

انصاف^۴، عدل^۵، حقوق بشر^۶ (حقوق قانونی و حقوق اخلاقی)، و مشارکت^۷ چهار اصل اساسی عدالت اجتماعی به‌شمار می‌روند.

۱.۲.۱. انصاف

انصاف چوب‌دستی عدالت است تا از لغزش آن بکاهد و بر سرعت و استواری گام‌هایش بیفزاید.^۸ انصاف با این پیش‌فرض، که تمامی انسان‌ها در مقابل خداوند و قانون برابرند، بدین معناست که همهٔ افراد صرف‌نظر از جنسیت، نژاد، سن، طبقه اجتماعی، زبان، مذهب و شغل حق بهره‌مندی از کالاها و منابع عمومی و همچنین دسترسی به ظرفیت‌ها، اطلاعات، آموزش، معیشت، خدمات بهداشتی، اشتغال و فرصت‌های شغلی را دارند.

۱.۲.۲. عدل

عدل در اینجا از این رویکرد ناشی می‌شود که انصاف به معنای توزیع برابر و یکنواخت، همیشه و در همه حال ممکن و قابل اجرا نیست و بی‌عدالتی‌های موجود همواره مانع از دسترسی

1. Reimer, L., & Standish, K., *Perspectives on Justice, Indigeneity, Gender, and Security in Human Rights Research*, Springer, 2023, pp 60-61.

2. International Labour Organization

3. ILO, *Advancing Social Justice, International Labour Conference*, 111th Session, 2023, p 7.

4. Equality

در تفاوت انصاف و عدل باید گفت که انصاف (Equality) به معنای اعطای منابع و فرصت‌های یکسان به افراد یا گروه‌های مردم بوده؛ ولی عدل (Equity) به معنای تخصیص فرصت‌ها و منابع به هر فرد با توجه به شرایط متفاوت و خاص وی است.

(Ward, C., *Achieving Equity in Higher Education Using Empathy as a Guiding Principle*, IGI Global, 2022, p. xxii)

5. Equity

6. Human Rights

7. Participation

۸. کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، جلد ۲، چاپ دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱، ص ۶۷۹.

برابر افراد یا گروه‌های خاص به خدمات عمومی، منابع و فرصت‌ها می‌شود. با در نظر گرفتن این موضوع، عدل و رفتار عادلانه به معنای برخورداری هر شخص به قدر استحقاق اوست.

۱.۲.۳. حقوق بشر

حقوق بشر بنیادین و انتقال‌ناپذیری است که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می‌شود و به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارهایی است که موضوع آن حمایت از مقام و منزلت و کرامت انسانی است.^۱ حقوق بشر آن حقوقی است که افراد صرفاً به دلیل انسان بودن استحقاق برخورداری از آن را دارند و از آنجا که انسان بودن در کل جهان مفهومی واحد است یا حداقل باید باشد، حقوق انسانی افراد برابر است.^۲ حق‌ها به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین اصول عدالت اجتماعی به دو نوع حق‌های قانونی^۳ و حق‌های اخلاقی^۴ تقسیم می‌شوند. در جامعه برخوردار از عدالت اجتماعی، حق‌های اخلاقی حتی در غیاب ضمانت اجرای قانونی، با رویه‌ها، قواعد، و هنجارهای کافی محافظت می‌شوند.

۱.۲.۴. مشارکت

مشارکت به معنای حضور و دخالت آگاهانه و داوطلبانه افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای پاسخگویی به نیازها و اهداف اجتماعی است.^۵ مشارکت به معنای مشارکت دادن مردم در تصمیماتی است که اثری تعیین‌کننده بر حیات و معیشت آنها دارد. این امر به معنای تضمین مشارکت کامل افراد در حیات سیاسی و فرهنگی آنهاست. در اینجا دو امر یعنی: ۱- نیل به آثار توزیعی بهتر و ۲- تقویت مردم‌سالاری، اساس و مبنای مشارکت را تشکیل می‌دهند. در مورد دوم، مفهوم مشارکت اغلب با ساختارهای قدرت مرتبط است و روابط قدرت موجود را تغییر می‌دهد و در نتیجه منجر به تقویت جایگاه افراد و گروه‌های محروم در مقابل

۱. والاس، ربکا و الگا مارتین ارتگا، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه: سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷.

۲. شایگان، فریده و همکاران، *تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر* (زیر نظر: جمشید ممتاز)، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۵؛ همچنین ر.ک متین دفتری، احمد، *حقوق بشر و حمایت بین‌المللی آن*، انتشارات بهمن، ۱۳۴۸، ص ۱۶؛ هاشمی، سید محمد، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، صص ۷-۹.

3. Legal Rights

4. Moral Rights

۵. اسلامی، رضا و لادن فرومند، *خصوصی‌سازی و توسعه حقوق بشر*، چاپ دوم، انتشارات جنگل، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷.

بازیگرانی همچون نهادهای عمومی و اجتماعی می‌شود.^۱

۱.۳. اهداف، فرایند و روش عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی هم فرایند است و هم هدف.^۲ به عبارت دیگر، عدالت اجتماعی نه فقط به هدف، بلکه به فرایند دستیابی به این هدف نیز اشاره دارد. هدف عدالت اجتماعی تضمین مشارکت ارادی، فعال و برابر افراد و گروه‌های جامعه است. غایت عدالت اجتماعی ایجاد جامعه‌ای است که در آن کرامت و ارزش‌های انسانی و تسهیم عادلانه و پایدار منابع به رسمیت شناخته شود و افراد در امنیت زندگی کنند.^۳ فرایند عدالت اجتماعی به اقدامات لازم با هدف ایجاد نوعی فضای مردم‌سالارانه گفته می‌شود که در آن مشارکت تسهیل شود؛ ناهمگونی، تنوع و تفاوت‌های گروهی مردم مورد احترام و توجه قرار گیرد و عاملیت افراد و توانایی همکاری با سایرین برای ایجاد تغییر، تضمین شود.^۴ روش عدالت اجتماعی^۵ روشی آشکار و همگانی، مشارکتی، رهایی‌بخش^۶ و مبتنی بر تعاون است که بر ایجاد تغییر در سطح نهادها و سیستم‌ها تمرکز دارد.^۷

۲. بانکداری اسلامی

۲.۱. ماهیت بانکداری اسلامی و تفاوت آن با بانکداری متعارف^۸

در مقابل بانکداری اسلامی، نوع دیگری از بانکداری وجود دارد که بانکداری سنتی، متعارف یا توافقی نامیده می‌شود.^۹ بانکداری اسلامی هم از حیث اهداف و هم از حیث عملکرد متفاوت از بانکداری متعارف است. انجمن بین‌المللی بانک‌های اسلامی^{۱۰} در تعریف بانکداری اسلامی

1. Khechen, M., *Social Justice: Concepts, Principles, Tools and Challenges, Economic and Social Commission for Western Asia (ESCWA)*, 2013, p 5.

2. Akkari, A., et al., *Intercultural Approaches to Education: From Theory to Practice*, Springer, 2022, p 51.

3. Sari, O., *The Idea of Social Justice, Livre de Lyon*, 2022, p.viii.

4. Nota, L., et al., *Sustainable Development, Career Counselling and Career Education*, Springer, 2020, p 54.

5. The Method of Social Justice

6. Emancipatory

7. Horton, R., *Critical Perspectives on Social Justice in Speech-Language Pathology, IGI Global*, 2021, p.xxiii.

8. Conventional Banking

۹. السان، مصطفی، *حقوق بانکی*، چاپ چهارم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها

(سمت)، ۱۳۹۴، ص ۸۳؛ همچنین ر.ک سلطانی، محمد، *حقوق بانکی*، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۰، ص ۳۲.

10. International Association of Islamic Banks (IAIB)

عنوان می‌دارد: «بانک اسلامی اساساً تداعی‌کننده نوعی رویکرد جدید به بانکداری است که کاملاً پایبند به قوانین شریعت اسلام در حوزه‌های مالی و سایر معاملات است. گذشته از این، کارکرد بانک در این راستا می‌باید منعکس‌کننده اصول و مبانی اسلام در حیات واقعی باشد. بانک می‌باید در راستای ایجاد جامعه اسلامی گام بردارد؛ از این رو یکی از اصلی‌ترین اهداف بانکداری اسلامی تعمیق و ژرفابخشی روحیه دینی در میان مردم است.^۱ در بیان تمایز موجود میان بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی باید گفت که: (۱) عملکرد بانک‌های متعارف مبتنی بر اصول ساخته دست بشر است؛ حال آنکه کارکرد بانک‌های اسلامی مبتنی بر اصول و مبانی شریعت اسلام است؛ (۲) در بانکداری متعارف، سرمایه‌گذار از نرخ بهره از پیش تعیین شده اطمینان دارد؛ در حالی که بانکداری اسلامی به دنبال تسهیم ریسک^۲ میان سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر است؛ (۳) بانکداری متعارف به دنبال به حداکثر رساندن سود بدون هیچ‌گونه محدودیت است؛ حال آنکه بانکداری اسلامی به دنبال به حداکثر رساندن سود با تبعیت از محدودیت‌های شریعت است؛ (۴) اعطای وام و تسهیلات و دریافت بهره اصلی‌ترین کارکرد بانکداری متعارف بوده، ولی نظام بانکداری اسلامی ماهیتاً یک نظام تسهیم سود و زیان^۳ است؛ (۵) بانکداری متعارف در مقایسه با بانکداری اسلامی از قلمرو محدودتری برخوردار است؛ حال آنکه بانک اسلامی در عمل نهادی چندمنظوره است؛ (۶) در بانکداری متعارف برخلاف بانکداری اسلامی، در صورت عدم پرداخت بدهی، بانک می‌تواند از بدهکار مبلغی مازاد بر بدهی را مطالبه کند؛ (۷) در بانک‌های تجاری بهره‌محور، استقراض از بازارهای پولی به نسبت آسان‌تر و استقراض از این بازارها در خصوص بانک‌های اسلامی نسبتاً دشوار است؛ (۸) رویکرد بانکداری متعارف در قبال مشتریان، نوعی رویکرد بستانکار- بدهکار بوده، حال آنکه در بانکداری اسلامی رویکرد بانک به مشتریان نوعی رویکرد شریک، سرمایه‌گذار و معامله‌گر است؛ (۹) در بانکداری متعارف، بانک موظف به ضمانت تمامی سپرده‌هاست؛ حال آنکه در بانکداری اسلامی بانک نمی‌تواند تمامی سپرده‌ها را ضمانت کند.^۴

1. Farugh Ahmad, A., & Hassan, M., *Riba and Islamic Banking*, *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, 2007, p 21.

2. Risk Sharing

3. Profit and Loss Sharing (PLS)

4. Farugh Ahmad, A. U., *Developments in Islamic Banking Practice: The Experience of Bangladesh*, Universal Publishers, 2010, pp 79-81.

همچنین ر.ک السان، مصطفی، پیشین، صص ۸۳ و ۸۶؛ و سلطانی، محمد، پیشین، صص ۳۳ و ۳۴.

۲.۲. مروری بر چگونگی پیدایش نظام بانکداری اسلامی مدرن

پیشینه پیدایش و تکوین نظام بانکداری اسلامی مدرن تا حدود زیادی به موجی از افکار و اندیشه‌های اصلاحی بازمی‌گردد که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در خلال جریان‌های با عنوان جنبش‌های تجدید حیات اسلامی^۱ شکل گرفت. در این دوران، متفکران و مصلحان مسلمان اقدام به احیا و ترغیب ایده به‌کارگیری مجدد اصول و مبانی اسلام در تمامی شئون زندگی کرده و بر ضرورت پایبندی به مبانی شرعی تأکید می‌ورزیدند. چگونگی حذف ربا و انطباق معاملات مالی با شریعت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های علمای مسلمان در این دوران بوده و بدون شک آثار و اندیشه‌های ایشان در خصوص چگونگی احیای دولت اسلامی و تحکیم و تقویت شریعت اسلام در تمامی ابعاد حیات مسلمانان به افزایش آگاهی جهان اسلام از اهمیت استقرار نظام مالی اسلامی کمک کرده است. نخستین تلاش برای تأسیس یک بانک بدون بهره در اواسط دهه ۱۹۴۰ در مالزی صورت گرفت. ایده‌ای که در این طرح دنبال می‌شد، سرمایه‌گذاری پس‌انداز زائران در املاک و مزارع بر اساس اصول شرعی بود که نهایتاً نافرجام ماند. دومین تلاش در این راستا در دهه ۱۹۵۰ در مناطق روستایی پاکستان صورت گرفت و متأسفانه ادامه پیدا نکرد.

در سال ۱۹۶۲ دولت مالزی صندوق مدیریت زائران را برای کمک به زائران تأسیس کرد؛ اما شاید بتوان گفت که موفق‌ترین و مبتکرانه‌ترین اقدام در این راستا تأسیس بانک پس‌انداز محلی^۲ «میت غمر»^۳ در سال ۱۹۶۳ در مصر بود. این بانک براساس قوانین شریعت فعالیت می‌کرد و موفقیت آن ثابت کرد که چنانچه بانکی براساس موازین اسلامی عمل کند می‌تواند شکوفا شود.^۴ تأسیس این بانک نقطه عطفی در تکامل نظام بانکداری مدرن اسلامی به شمار می‌رود. اگرچه این بانک خدمات اولیه بانکداری مانند حساب‌های سپرده، وام، سرمایه‌گذاری مستقیم و خدمات اجتماعی را ارائه می‌داد، برای رفع نیازها و احتیاجات جامعه محیطی خود کافی بود. این بانک شواهد روشنی ارائه کرد که راهکارهای مالی مطابق با شریعت وجود دارد و می‌تواند جایگزین سیستم بانکداری مرسوم شود و این قوانین و اصول هنوز می‌توانند برای پاسخگویی به نیازهای

1. Islamic Resurgence Movements

2. Mit Ghamr Local Savings Bank

3. Mit Ghamr (نام شهری در استان دقهلیه مصر)

4. Venardos, A. M., *Islamic Banking and Finance in South-East Asia: Its Development and Future*, World Scientific Publishing, 2005, p 64.

تجاری و مالی جامعه مسلمانان به کار گرفته شوند. تاریخ بانکداری اسلامی مدرن را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: (۱) تأسیس؛ (۲) گسترش؛ (۳) رسمیت یافتن در سطح بین‌الملل؛ (۴) ارزیابی.

۲.۲.۱. دوره تأسیس (۱۹۷۷-۱۹۶۵)

در این دوران پژوهش‌های زیادی در سرتاسر جهان اسلام درخصوص تمامی ابعاد حیات روزمره مسلمانان صورت گرفت. همچنین مسلمانان سازمان‌هایی را با هدف ارتقای هرچه بیشتر حمایت و همکاری میان کشورهای اسلامی تأسیس کردند. چنان‌که در ۱۹۶۵ بزرگ‌ترین مؤسسه دینی مصر با عنوان الأزهر الشریف به تأسیس آکادمی تحقیقات اسلامی^۱ متشکل از ۵۰ عضو اقدام کرد. این افراد مشتمل بر متخصصین امر در رشته‌های مختلفی همچون علوم پزشکی، مهندسی، نجوم، حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی و دین و شریعت بودند. هدف از تأسیس این آکادمی تحقیق درخصوص مسائل گوناگونی بود که مسلمانان در زندگی روزمره با آن مواجه‌اند. همچنین در اوایل دهه ۱۹۶۰ وزارت اوقاف مصر اقدام به تأسیس شورای عالی امور اسلامی متشکل از چندین کمیته و دربردارنده گروه‌های بزرگی از متخصصین در تمامی زمینه‌ها کرد. در ۱۹۶۹ م. سازمان کنفرانس اسلامی^۲ تأسیس شد که هم‌اکنون با داشتن ۵۷ عضو از سراسر جهان دومین سازمان بزرگ بین‌الدولی پس از سازمان ملل محسوب می‌شود. در این دوران کنفرانس‌های زیادی برگزار شد که از جمله آنها می‌توان به کنفرانس وزارت دارایی کشورهای اسلامی در کراچی (۱۹۷۰) و نخستین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد اسلامی (نخستین کنفرانس علمی در اقتصاد اسلامی) در مکه به سرپرستی دانشگاه ملک عبدالعزیز (۱۹۷۶) اشاره کرد.

در این دوران چندین بانک اسلامی در جهان اسلام راه‌اندازی شد. سومین جلسه وزرای خارجه کشورهای اسلامی در مارس ۱۹۷۳ در شهر بنغازی لیبی برگزار شد که در این کنفرانس پیشنهاد تأسیس بانک توسعه اسلامی^۳ مورد بررسی قرار گرفت. پس از تشکیل جلسات آتی نتیجتاً پیش‌نویس تأسیس بانک توسعه اسلامی به تصویب رسید و این بانک رسماً در اکتبر ۱۹۷۵ با ۲۲ عضو مؤسس از کشورهای اسلامی آغاز به کار کرد. هدف از تأسیس این بانک ارتقای توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مطابق با اصول و موازین شرعی برای تمامی

1. Islamic Research Academy
2. Organization of the Islamic Conference
3. The Islamic Development Bank

کشورهای عضو و کشورهای مسلمان بود. بانک اجتماعی ناصر در مصر (۱۹۷۱)؛ بانک اسلامی دبی به عنوان نخستین بانک خصوصی اسلامی در جهان (۱۹۷۵)؛ بانک اسلامی فیصل در مصر و سودان (۱۹۷۷) و خانه مالی کویت^۱ (۱۹۷۷) از دیگر بانک‌های اسلامی بودند که در این دوران تأسیس شد.

۲.۲.۲. دوره گسترش (۲۰۰۲ - ۱۹۷۷)

در این دوره افزایش شدید قیمت نفت ثروت زیادی را برای خاورمیانه به ارمغان آورد و منجر به گسترش بانک‌های اسلامی در سرتاسر کشورهای اسلامی و غیراسلامی شد. در این مدت بیش از صد بانک اسلامی در سراسر جهان آغاز به فعالیت کرد. علاوه بر این، بانک‌های متعارف شروع به ارائه خدمات مطابق با شرع از طریق دپارتمان‌هایی با عنوان پنجره‌های اسلامی^۲ کردند. در این دوره همچنین شاهد تبدیل کامل نظام بانکی ایران، سودان و پاکستان به نظام بانکداری اسلامی هستیم. تحول نظام مالی در ایران در سال ۱۳۶۲ به سرعت انجام شد؛ چنان که در هشتم شهریور ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا به تصویب مجلس شورای اسلامی و دو روز بعد به تأیید شورای نگهبان رسید.

۲.۲.۳. دوره رسمیت یافتن در سطح بین‌الملل (۲۰۰۹ - ۲۰۰۳)

در این دوره، مرجع خدمات مالی^۳ در بریتانیا به سه بانک کاملاً اسلامی که به ابتکار سرمایه‌گذاران و مؤسسات خاورمیانه راه‌اندازی شده بودند مجوز داد تا درخصوص تقاضای روزافزون برای راه‌حل‌های مالی مطابق با شرع چاره‌اندیشی کند. این تقاضا ناشی از افزایش شدید قیمت نفت بود که منجر به تقدینگی بیش از حد در خاورمیانه و نیاز روزافزون به دارایی‌های جایگزین شده بود. این سه بانک عبارت بودند از: بانک اسلامی بریتانیا^۴ در ۲۰۰۴؛ بانک سرمایه‌گذاری اسلامی اروپا^۵ در ۲۰۰۶ و بانک لندن و خاورمیانه^۶ در ۲۰۰۷ امروزه محصولات و خدمات مطابق با شریعت نه فقط برای ۱.۸ میلیارد مسلمان در سرتاسر جهان، بلکه برای غیرمسلمانان نیز از جداییت زیادی برخوردار است. انگلستان در میان ۱۵ کشور برتر از نظر حجم دارایی‌های اسلامی رتبه دهم (با حجم دارایی‌های منطبق با شریعت به ارزش ۱۰/۴ میلیارد دلار) را داراست.

1. Kuwait Finance House
2. Islamic Windows
3. Financial Services Authority
4. Islamic Bank of Britain
5. The European Islamic Investment Bank
6. Bank of London and the Middle East

۲.۲.۴. دوره ارزیابی (۲۰۰۹ - تاکنون)

دوره چهارم در اواسط سال ۲۰۰۹، زمانی که بانکداران، ناظران و تنظیم‌گران در سراسر جهان در حال ارزیابی علل و پیامدهای بحران‌های اقتصادی جهان و تنگناهای اعتباری^۱ بانک‌ها بودند، آغاز شد. در حال حاضر بسیاری از بانکداران و تنظیم‌گران در حال ارزیابی این واقعیت‌اند که ماهیت دارایی - محور بانک‌های اسلامی باعث شده تا کمترین آسیب را از تنگناهای اعتباری متحمل شوند. سومین نظرسنجی سالانه نشریه بنکر^۲ در سال ۲۰۰۹ از مجموع پانصد مؤسسه مالی اسلامی برتر حاکی از رشد دارایی‌ها با نرخ بسیار سالم ۲۸.۶ درصد و افزایش دارایی‌ها به میزان ۸۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ (در مقایسه با ۶۳۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸) است. حال آنکه یافته‌ها نشان می‌دهد که در بانکداری متعارف، رشد دارایی‌های هزار بانک برتر جهان از ۲۱۶ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۶۸ درصد در سال ۲۰۰۹ رسیده است.^۳

۲.۳. اصول کلیدی بانکداری اسلامی

فعالیت بانک‌های اسلامی بر شش اصل استوار است:

۲.۳.۱. اصل منع بهره (ربا)

هرگونه پرداخت از پیش تعیین شده و بالاتر از مقدار واقعی اصل سرمایه ممنوع است. اسلام فقط یک نوع قرض را مجاز می‌داند و آن قرض الحسنه است. در قرض الحسنه مقرض هیچ‌گونه بهره یا مبلغی مازاد بر پول خود دریافت نمی‌کند. فقهای مسلمان این اصل را به دقت تفسیر کرده‌اند؛ چنان‌که برخی از آنها معتقدند این ممنوعیت شامل هرگونه منفعت یا منفعی که مقرض ممکن است از بابت قرض از آن بهره‌مند شود، مانند غذا خوردن بر سر سفره مقرض یا حتی استفاده از سایه دیوار خانه او نیز می‌شود. حرمت ربا به منزله حذف نرخ بهره در نظام اقتصادی مورد تأیید اسلام واقع شده است. با توجه به مفهوم فراگیر بهره در نظام سرمایه‌داری، حرمت ربا

1. Credit Crunch

تنگنای اعتباری را می‌توان وجود مازاد تقاضای اعتبارات قابل توجه از سوی بنگاه‌ها و خانوارها و عدم ارائه پاسخ مقتضی و یا متناسب با تقاضای صورت گرفته از سوی عرضه‌کنندگان تسهیلات و اعتبارات دانست. (عباسیان، عزت‌اله و کلثوم روشنی، مدل‌سازی علل تنگنای اعتباری در ایران: رهیافت DSGE، نشریه علمی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۹۹، شماره ۹۵، ص ۲۴۶).

2. The Banker

3. El Tiby, A. M., *Islamic Banking: How to Manage Risk and Improve Profitability*, John Wiley & Sons, Inc., 2011, pp 9-13.

و حذف بهره به‌عنوان یک اصل مسلم، فصل تمایز دو نظام اقتصاد سرمایه‌داری و نظام اقتصادی مورد تأیید اسلام است.^۱ ربا و بهره در تاروپود اقتصاد متعارف حضور دارد و به اشکال مختلف از جمله اوراق قرضه، سپرده‌ها، وام‌ها و اعتبارات بانکی، کارت‌های اعتباری و غیره در همه ابعاد اقتصاد سرمایه‌داری جریان دارد. اسلام آن را به‌شدت نهی کرده و از گناهان کبیره برشمرده و مرتکب‌شونده آن را نه فقط از عقاب اخروی بیم داده، به مبارزه دنیوی نیز تهدید کرده است.^۲ از نظر سید محمدباقر صدر، بین بانکداری ربوی و بانکداری اسلامی این تفاوت وجود دارد که بانک ربوی بر مبنای ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری فعالیت می‌کند و عمده درآمد آن نیز از همین طریق است؛ درحالی‌که، بانک اسلامی در جایگاه عامل فعالیت می‌کند و درآمد خود را نه براساس بهره و سود، بلکه برپایه مزد کار تعریف می‌کند.^۳

۲.۳.۲. اصل تسهیم سود و زیان

تأمین مالی در اسلام بر این پایه استوار است که سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر هر دو باید به‌طور مساوی در ریسک سرمایه‌گذاری تجاری سهیم باشند. در اصطلاح بانکی، سپرده‌گذار، بانک و وام‌گیرنده همگی باید ریسک‌ها و سودهای (پاداش) تأمین مالی فعالیت‌های تجاری پر خطر را با یکدیگر شریک شوند. در بانکداری تجاری برخلاف بانکداری اسلامی، تمام فشارها بر روی وام‌گیرنده است که بدون توجه به موفقیت یا شکست فعالیت تجاری باید وام را با سود توافق‌شده بازپرداخت کند. در بانکداری متعارف آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که وام و سود آن به‌موقع پرداخت شود؛ بنابراین، به‌هنگام اعطای وام غالباً اعتبار و خوش‌حسابی وام‌گیرنده از اهمیت زیادی برخوردار است؛ اما در بانکداری اسلامی بانک فقط در صورت موفقیت پروژه و تولید سود، بازده دریافت خواهد کرد؛ بنابراین، در بانک اسلامی بیشتر به سلامت پروژه، هوش کسب‌وکار و شایستگی‌های مدیریتی سرمایه‌پذیر توجه می‌شود.

۱. نظریور، محمدتقی، سیدعباس موسویان و ایوب خزایی، *بانکداری اسلامی*، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۵، ص ۳۹.

۲. محقق‌نیا، محمدجواد و همکاران، *درآمدی بر شاخص‌های بانکداری اسلامی*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴، ص ۲۸۹.

۳. همان، ص ۳۲۸؛ همچنین رک‌السان، مصطفی، پیشین، ص ۸۷؛ سلطانی، محمد، پیشین، صص ۳۵ - ۴۳.

۲.۳.۳. اصل منع کسب درآمد از پول

در اسلام، کسب درآمد از پول پذیرفته نیست. پول در اسلام صرفاً وسیله مبادله و راهی برای تعیین ارزش شیء است. پول به خودی خود هیچ ارزشی ندارد؛ بنابراین، نباید صرفاً با سپرده‌گذاری در بانک یا اعطای وام به افراد و دریافت سود ثابت، پول بیشتری تولید کرد. تلاش و ابتکار انسان و ریسک موجود در یک سرمایه‌گذاری مولد، مهم‌تر از پولی است که برای تأمین مالی آن استفاده می‌شود. فقهای مسلمان پول را سرمایه بالقوه می‌دانند؛ به این معنا که پول صرفاً زمانی تبدیل به سرمایه می‌شود که در تجارت سرمایه‌گذاری شود.^۱ انباشت پول در اسلام پذیرفته نیست و پول نشان‌دهنده قدرت خرید است. از این قدرت خرید (پول) نمی‌توان برای ایجاد قدرت خرید (پول) بیشتر بدون به‌کارگیری آن در تولید کالاها و خدمات استفاده کرد. اسلام همواره مسلمانان را تشویق می‌کند تا پول را در سرمایه‌گذاری‌های مولد به جریان اندازند و درآمد همیشه باید ناشی از کار فعال و مولد باشد.

۲.۳.۴. اصل به‌کارگیری عقود شرعی

بانکداری متعارف در جهت‌گیری خود سکولار است. در مقابل، در نظام اسلامی همه فعالان اقتصادی باید در چارچوب نظام اخلاقی اسلام فعالیت کنند. بانک‌های اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیستند و نمی‌توانند هیچ پروژه‌ای را که با نظام ارزش‌های اخلاقی اسلام در تضاد بوده یا از نظر اسلام ممنوع و برای جامعه مضر باشد تأمین مالی کنند. این اصل به‌نوعی شبیه به راهبرد سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی^۲ در بانک‌های متعارف است که هم‌زمان به دنبال به حداکثر رساندن بازده مالی و منفعت اجتماعی است.^۳

۲.۳.۵. اصل احترام به قراردادهای و حفظ حقوق مالکیت

بسیاری از آیات قرآن کریم به مقوله تجارت می‌پردازد و در اسلام هیچ‌گونه مانعی برای تجارت مشروع وجود ندارد. اسلام ایفای تعهدات قراردادی و افشای اطلاعات^۴ را وظیفه‌ای مقدس می‌داند. هدف از افشای اطلاعات کاهش خطر اطلاعات نامتقارن^۵ و

1. Van Greuning, H., & Iqbal, Z., *Risk Analysis for Islamic Banks*, The World Bank, 2008, p 7.

2. Socially Responsible Investing (SRI)

3. Vicary Abdullah, D., & Chee, K., *Islamic Finance: Why it Makes Sense*, Marshall Cavendish International, 2010, p 6.

4. Disclosure of Information

5. Asymmetric Information →

کژمنشی^۱ است. اسلام همچنین حفظ حقوق مالکیت را مهم برمی‌شمارد، تجاوز به حقوق مالکیت افراد را به شدت ممنوع می‌کند و قائل به ایجاد تعادل میان حقوق افراد، جامعه و دولت است.

۲.۳.۶. اصل منع رفتار سوداگرانه

نظام مالی اسلام، انباشت ثروت و همچنین انجام معاملاتی را که دارای عدم قطعیت (غرر یا ابهام قراردادی) هستند ممنوع کرده است. غرر در جایی صورت می‌گیرد که عواقب و پیامدهای یک قرارداد معلوم نباشد و در حاله‌ای از ابهام قرار داشته باشد. غرر در اصل به اعمال و شروطی در قراردادهای مبادله‌ای اطلاق می‌شود که پیامدهای کامل آنها به‌وضوح برای طرفین مشخص نیست که از این حیث بسیار شبیه به اطلاعات نامتقارن است. عدم آگاهی نسبت به تمامی آثار عقد، ناقض اصل رضایت طرفین است که از نظر شرعی شرط لازم در کلیه عقود مبادله‌ای است.^۲ در نظر گرفتن غرر به‌عنوان عدم قطعیت مفرط، آن را به عنصر ریسک مرتبط می‌کند. برخی معتقدند که نهی از غرر و معاملات غرری یکی از روش‌های مدیریت ریسک^۳ در اسلام

→ عدم تقارن اطلاعاتی به برتری اطلاعاتی یکی از طرفین معامله بر دیگری اشاره دارد. تقارن اطلاعات بدین معناست که طرفین مبادله‌کننده به یک اندازه از کیفیت و شرایط و اطلاعات مورد معامله اطلاع داشته باشند. عدم تقارن اطلاعات حالتی است که در یک رابطه قراردادی یا معاملاتی یکی از طرفین قرارداد یا معامله کمتر از طرف دیگر اطلاعات داشته باشد، یعنی توزیع اطلاعات بین استفاده‌کنندگان از اطلاعات ناهمسان باشد و یکی از طرفین نسبت به طرف دیگر دارای مزیت اطلاعاتی باشد. (طباطبایی نژاد، سید محمد، محمود باقری و هدایت فرخانی، **عدم تقارن اطلاعات در حقوق بانکی: مطالعه موردی قراردادهای تسهیلات سندیکایی**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۷، ۱۳۹۶، شماره ۱، ص ۵۳).

1. Moral Hazard

مخاطرات اخلاقی در اقتصاد شامل دامنه گسترده‌ای از اعمال و رفتارها و مشتمل بر دو گونه اصلی یعنی کژمنشی و کژگزینی است. کژمنشی خود به دو نوع کلی پیش‌بینی شده (قبل از قرارداد) و پیش‌بینی نشده (بعد از قرارداد) تقسیم می‌شود. در فرایند کژمنشی فردی که مرتکب این عمل شده در واقع ضرر مضاعفی را بر طرف دیگر قرارداد تحمیل کرده است. به عبارت دیگر، در نظریه اقتصاد کژمنشی وضعیتی است که در آن رفتار یک طرف می‌تواند معامله را به ضرر طرف دیگر تغییر دهد. بر اساس تئوری قرارداد، کژمنشی ناشی از موقعیتی است که در آن اعمال پنهانی صورت گیرد. (ابریشمی، حمید، ابوالقاسم توحیدی‌نیا و احمد حشمتی مولائی، **مخاطره اخلاقی در**

عملیات بانکی بدون ربا، دانش مخاطرات، دوره ۳، ۱۳۹۵، شماره ۱، ص ۴۸).

2. Iqbal, M., & Molyneux, P., *Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects*, Palgrave Macmillan, 2005, pp 12-14.

۳. مدیریت ریسک، فرایند شناسایی و ارزشیابی ریسک و انتخاب و به‌کارگیری تکنیک‌های لازم برای انطباق و سازگاری با اثرات ریسک است. (تهرانی، رضا و عسگر نوربخش، **فرهنگ مالی و سرمایه‌گذاری**، چاپ اول، انتشارات نگاه دانش، ۱۳۸۹، ص ۴۹۵)؛ همچنین ر. ک حسنی، فرنود، سهیلا سلطانی و فرشته ضرابیه، **مدیریت بانکداری الکترونیکی**، چاپ اول، انتشارات سبزان، ۱۳۸۷، صص ۱۰۰ - ۱۰۲؛ نظری نژاد، محمد و بهمن ←

است. ممنوعیت غرر طرفین را مجبور می‌کند تا از انجام قراردادهایی با سود غیر متعارف و عدم تقارن اطلاعاتی بسیار زیاد اجتناب ورزند.^۱

شایان ذکر است که اصول شش‌گانه کلیدی بانکداری اسلامی، همچنان‌که از نام آن پیداست انحصاری نیست، بلکه می‌توان اصولی همچون: اصل انطباق عملیات بانکی با فقه اسلامی، اصل رعایت اخلاق بانکداری و ... را به آن اضافه نمود؛ در واقع، بانکداری اسلامی نظام بانکی است که در جهت اهداف نظام اقتصادی اسلام حرکت کند.

۳. بانکداری اسلامی و اهمیت آن در برقراری عدالت اجتماعی

عدالت و مساوات مهم‌ترین اولویت اسلام و آموزه‌های اقتصادی آن است. اصول کلی و اعتقادی اسلام در بردارنده ارزش‌هایی همچون برابری، تعاون و عدالت اجتماعی است. اصل ممنوعیت بهره (ربا) مهم‌ترین اصل از اصول کلیدی مالیه اسلامی به شمار می‌رود. در واقع، پول به خودی‌خود ارزش ذاتی ندارد و صرفاً وسیله‌ای برای انجام دادن معاملات است؛ بنابراین، پول یک سرمایه بالقوه است که فعلیت یافتن آن مستلزم ورود به چرخه کار و تجارت مولد است. اصل ممنوعیت بهره (ربا) خود بیانگر عدالت اجتماعی است. دریافت سود نوعی ابزار تأمین مالی ناعادلانه به شمار می‌رود که عملاً منجر به استثمار و بهره‌کشی می‌شود. بی‌عدالتی و ظلم از جمله مهم‌ترین دلایل حرمت بهره است که اغلب نویسندگان بر آن تاکید کرده‌اند. عقد مبتنی بر بهره مستلزم ظلم و بی‌عدالتی در حق یکی از طرفین است. معاملات بدون بهره مانع از بهره‌کشی اقتصادی می‌شود و عدالت اجتماعی را تضمین می‌کند. همچنین حذف نرخ بهره از تمرکز ثروت جلوگیری می‌کند و منجر به دستیابی هرچه بیشتر به عدالت اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، بهره پیامدهای بسیار نامطلوبی برای اقتصاد و جامعه دارد؛ چنان‌که منجر به تخصیص ناکارآمد منابع جامعه و بی‌ثباتی سیستم می‌شود. در سیستم‌های مبتنی بر بهره، وام‌گیرندگان حتی زمانی که شرایط بازپرداخت وام را ندارند مجبور به بازپرداخت هستند که این

→ نظری نژاد، *مرجع کامل فارکس*، جلد ۱، چاپ چهارم، انتشارات ترانه، ۱۳۸۹، ص ۵۹۴.

1. Kettell, B., *Introduction to Islamic Banking and Finance*, Wiley, 2011, pp 33-35; - Franzoni, S., & Ait Allahi, A., "Principles of Islamic Finance and Principles of Corporate Social Responsibility: What Convergence?", *Sustainability* 10, NO 3, 2018, pp 3-4; - Askari, H., et al., *Globalization and Islamic Finance "Convergence, Prospects, and Challenges*, Wiley, 2010, pp 12-13.

امر در نهایت مشکل را تشدید می‌کند و منجر به نکول می‌شود؛ بنابراین، سیستم‌های بانکی مبتنی بر بهره (ربا) ممکن است با عملکرد خود رکود در چرخه تجاری را تشدید کنند.

در نظام مبتنی بر بهره، خوش‌حسابی و اعتبار وام‌گیرنده معیار اصلی برای توزیع اعتبار و اعطای تسهیلات است. در سیستم‌های مبتنی بر بهره بانک‌ها مجبور نیستند به ارزیابی پروژه اهمیت زیادی بدهند؛ زیرا بدون توجه به موفقیت یا شکست پروژه سود خود را دریافت می‌کنند؛ این در حالی است که در نظام مبتنی بر تسهیم سود و زیان، میزان بهره‌وری پروژه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین در این نظام، منابع مالی به پروژه‌های مولدتر و پربازده‌تر تخصیص می‌یابد. از این رو، سیستم در تخصیص منابع، کارآمدتر عمل می‌کند.^۱ تخصیص هرچه کارآمدتر و عادلانه‌تر منابع، تحقق هرچه بهتر عدالت اجتماعی را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، مطابق با قواعد شریعت اسلام، هیچ‌کس بدون متحمل شدن خطر نمی‌تواند مطالبه گرامت کند (مَنْ لَهُ النَّعْمُ فَعَلَيْهِ الْغُرْمُ). در واقع، پارادایم تسهیم سود و زیان^۲ نیز از چنین قاعده‌ای پدید آمده است. در این پارادایم فرض بر این است که طرفین در معاملات مالی می‌باید ریسک‌ها و بازده را با یکدیگر به اشتراک بگذارند که همین امر منجر به تحقق اصل کلیدی تسهیم عادلانه می‌شود. در بانکداری متعارف برخلاف بانکداری اسلامی، تمام ریسک (خواه پروژه با موفقیت انجام شده و سود ایجاد کند، خواه با شکست مواجه شده و متحمل ضرر شود) بر عهده سرمایه‌پذیر است و سرمایه‌گذار همچنان با بهره‌ای از پیش تعیین شده پاداش می‌گیرد. در اسلام این نوع توزیع ناعادلانه ریسک جایز نیست. در بانکداری ناب اسلامی، هم سرمایه‌گذار و هم سرمایه‌پذیر نتایج پروژه را به صورت عادلانه و برابر با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. مشارکت در ریسک و بازده با توزیع هرچه عادلانه‌تر منابع منجر به ارتقای عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌شود. در واقع، در این الگو سهمی متناسب، جایگزین بازده ثابت شده و بازگشت عادلانه سرمایه را در پی خواهد داشت؛ بنابراین، اصل تسهیم سود و زیان توزیع برابر درآمد و نتیجتاً عدالت اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، همه تراکنش‌های مالی باید به طور سیستماتیک به دارایی‌های واقعی مرتبط باشند. بر این اساس، پول در خدمت اقتصاد واقعی است.

1. Iqbal, M., & Molyneux, P., *Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects*, Palgrave Macmillan, 2005, pp 10-11.

2. Profit and Loss Sharing

بانک‌های اسلامی با پیروی از اصل پشتوانه‌داری^۱ به منظور جلوگیری از تورم بیش از حد و حباب‌های سوداگرانه هیچگاه به دنبال خلق پول از هیچ نیستند. بدین ترتیب، عدالت اجتماعی با اجتناب از تورمی برقرار خواهد شد که منجر به ضرر بستانکاران و نفع بدهکاران می‌شود. اصل پشتوانه‌داری همچنین از بانکداری اسلامی در مقابل بحران‌های مالی بازدارنده رشد حفاظت می‌کند و مانع از توزیع ناعادلانه درآمدها می‌شود.

۳.۱. سازوکارهای بانکداری اسلامی در جهت دستیابی به عدالت اجتماعی

توزیع عادلانه ثروت، تأمین مایحتاج زندگی برای نیازمندان و حمایت از ضعفا در مقابل مشکلات اقتصادی از جمله اهداف عدالت اجتماعی است که بانکداری اسلامی با ایجاد برخی سازوکارها می‌تواند به تحقق آنها کمک کند.

۳.۱.۱. توزیع عادلانه ثروت

بانکداری اسلامی از دو طریق در راستای توزیع عادلانه ثروت گام برمی‌دارد: ۱- تأمین مالی مشارکت در ریسک^۲ (مشارکت و مضاربه)؛ ۲- بسیج پس‌انداز حساب‌های سرمایه‌گذاری. از جنبه‌داری‌ها، تأمین مالی بانکداری اسلامی با مشارکت و مضاربه از بانکداری متعارف متمایز می‌شود. مشارکت به معنای مشارکت در سرمایه^۳ یا مشارکت فعال بانک اسلامی در سرمایه‌بنگاه است. مضاربه نوعی مشارکت منفعلانه است که در آن بانک اسلامی سرمایه‌گذار است و سرمایه را به‌طور کامل تأمین می‌کند؛ درحالی‌که، مشتری مسئولیت سامان‌دهی و مدیریت تجارت را بر عهده می‌گیرد. در اینجا سود به شکل توافقی تقسیم می‌شود و بانک نیز جز در موارد قصور طرف مقابل، متحمل زیان‌های احتمالی خواهد شد. تأمین مالی مشارکت در ریسک (مشارکت و مضاربه) امکان توزیع کارآمدتر و عادلانه‌تر ثروت را فراهم می‌کند. از جنبه‌ مسئولیت نیز توزیع عادلانه منابع میان سپرده‌گذاران حساب سرمایه‌گذاری و بانک اسلامی صورت می‌گیرد. حساب‌های سرمایه‌گذاری تسهیم سود^۴ حساب‌های بیمه‌شده یا حساب‌های دارای سرمایه معین نیستند. نرخ بازده پیشینی سرمایه با نوعی نرخ بازده پسینی محتمل جایگزین می‌شود؛ در نتیجه، از جنبه‌ مسئولیت، واسطه‌گری مشارکتی مبتنی بر سپرده‌های سرمایه‌گذاری و از جنبه‌داری،

1. Asset Backing
2. PLS
3. Equity Participation
4. Profit-sharing Investment Account (PSIA)

مشارکت و مضاربه بهترین ابزار برای اجرای عدالت اجتماعی از طریق تسهیم ریسک است که منجر به توزیع عادلانه ثروت می‌شود.

۳.۱.۲. کمک به تأمین مایحتاج اولیه زندگی

ظرفیت و توانمندی بانک‌های اسلامی در ارتقای توسعه اقتصادی منجر به رفاه بیشتر و متعاقباً بهبود وضعیت اقتصادی فقرا می‌شود. اصل توزیع یکی از ضرورت‌ها و الزامات در اقتصاد اسلامی است که منجر به تأمین نیازهای اولیه زندگی، همچون خوراک، پوشاک و سرپناه، برای تمامی افراد جامعه بدون در نظر گرفتن ملیت، قومیت، دین، زبان و غیره است. بانک‌های اسلامی می‌توانند نیازهای اولیه فقرا را تأمین و احتیاجات اولیه انسانی را برآورده کنند و بدین ترتیب، منجر به عدالت اجتماعی شوند. در واقع بانک‌های اسلامی نقش واسطه اجتماعی را ایفا می‌کنند. وجود حساب‌های زکات از دیگر وجوه افتراق بانکداری اسلامی از بانکداری متعارف بوده که مدیریت به‌کارگیری این وجوه بر عهده بانک‌های اسلامی است. به عنوان مثال، بانک اسلامی امارات^۱ در گزارش سال ۲۰۱۵ خود اعلام کرد: «وجوه زکات از طریق کمیته‌ای که توسط مدیریت تشکیل شده است به مجاری شرعی پرداخت می‌گردد». این تأمین مالی به جلب رضایت فقرا و مشارکت آنها در عرصه تولید کمک می‌کند. علاوه بر این، نظام بانکداری اسلامی وجوهی را از طریق اعتباردهی خرد^۲ و براساس قرض الحسنه (وام بدون بهره) ارائه می‌دهد. قرض الحسنه نوعی اعطای تسهیلات اجتماعی به افراد دارای مشکل یا کارآفرینان جوان مبتکر است. این تأمین مالی منجر به کاهش بیکاری می‌شود و فقرا را در بهره‌وری هرچه بیشتر یاری می‌رساند. این نوع واسطه‌گری مالی به حل مشکلات فقر و رفع نیازها و احتیاجات اولیه کمک می‌کند و منجر به کاهش نابرابری‌های اجتماعی در بین فعالان اقتصادی می‌شود.

۳.۱.۳. ایجاد برابری در دسترسی به منابع مالی و حمایت از ضعفا در برابر مشکلات اقتصادی

بانکداری اسلامی را می‌توان به مثابه محور اصلی و اساسی شمول مالی^۳ در نظر گرفت.

1. Emirates Islamic Bank

2. Microcredits

3. Financial Inclusion

شمول مالی عبارت است از دسترسی به خدمات مالی برای همه افراد به‌ویژه اقشار فقیر و محروم جامعه. شمول مالی همچنین می‌تواند به عنوان ارائه خدمات بانکی با هزینه مقرون به صرفه برای بخش‌های وسیعی از گروه‌های محروم و کم‌درآمد تعریف شود. (بالونژاد نوری، روزبه و امیرعلی فرهنگ، اثر شمول مالی بر کارایی و ←

بانک اسلامی می‌تواند طیف گسترده‌تری از افراد (شامل افراد کم درآمد و روستاییان) و بنگاه‌ها را قادر به دسترسی به خدمات مالی کند و با تأمین مالی مشاغل کوچک و کارگران در راستای غلبه بر محرومیت مالی گام بردارد. این امر منجر به برقراری عدالت در دسترسی به منابع مالی و ترویج برابری و مساوات در جامعه می‌شود. کاهش محدودیت‌های مالی موجب بهبود هرچه بیشتر دسترسی به اعتبار برای بنگاه‌های کوچک‌تر و جوان‌تر و نتیجتاً افزایش کارآفرینی و کاهش فقر می‌شود.^۱

۴. آسیب‌شناسی نظام بانکداری اسلامی در ایران

در حال حاضر دو قانون، یکی مبتنی بر بانکداری متعارف (قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱) و دیگری مبتنی بر بانکداری بدون ربا (قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲)، بر نظام بانکی ایران حاکم است که یکی مشوق معاملات مبتنی بر ربا و دیگری مشوق معاملات غیرربوی است. این دو رویکرد متضاد و برخلاف یکدیگرند. علاوه بر این، صوری بودن بخشی از عملیات بانکی، عدم استقلال نهاد ناظر (بانک مرکزی) بر نظام پولی، عدم وجود سازوکار حسابرسی کارآمد و شفاف، عدم شفافیت و پاسخگویی نهاد ناظر (بانک مرکزی) بر نظام پولی از جمله آسیب‌های بانکداری اسلامی در ایران محسوب می‌شود.^۲

از سوی دیگر، همان‌گونه که بیان شد، یکی از اهداف اساسی بانکداری اسلامی، در کنار سایر نهادها، گسترش عدالت و بهبود توزیع درآمد در جامعه است که خود از مهم‌ترین تمایزات بانکداری اسلامی از بانکداری متعارف به شمار می‌رود. این در حالی است که در عمل، در نظام بانکی کشور تسهیلات به افرادی که دارای سرمایه‌های کلان می‌باشند، اعطاء می‌شود و بنگاه‌های کوچک اقتصادی و همچنین اشخاصی که توان تودیع وثیقه‌های مطالبه‌شده از سوی بانک‌ها را ندارند، از دریافت تسهیلات بانکی محروم‌اند. انگیزه چنین اقدامی را می‌توان سودآوری

→ پایداری مالی: کاربردی از رویکرد شاخص‌سازی چند بعدی، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۴۰۰، ۱۶، شماره ۲، ص ۶۰.

1. Azid, T., & Sunar, L., *Social Justice and Islamic Economics: Theory, Issue and Practice*, Routledge, 2019, pp 73-77.

۲. متانی، محمدعلی، «حقوق تنظیمی امور بانکی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان»، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۸، صص ۹۴ - ۱۰۷.

فعالیت‌ها، فرار از ریسک و سهولت در برگشت سرمایه و ... عنوان کرد؛ لذا ضروری است که نظام بانکی کشور راهکارهایی با هدف صیانت از حقوق سپرده‌گذاران و حرکت در جهت استقرار هرچه بهتر عدالت شناسایی کند.

نتیجه‌گیری

در اسلام توجه به بُعد انسانی توسعه از اهمیت فراوانی برخوردار و سرمایه‌گذاری اخلاقی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام مالی اسلام است. درحالی‌که نظام‌های مالی متعارف اساساً بر جنبه‌های اقتصادی و مالی معاملات تمرکز دارند، نظام مالی اسلام همواره به‌طور یکسان بر ابعاد اخلاقی، اجتماعی و دینی فعالیت‌های اقتصادی تأکید می‌کند و به دنبال ارتقای عدالت و برابری به نفع جامعه به عنوان یک کل است. پاسداری از اهداف اجتماعی، همچون عدالت توزیعی، فقرزدایی و برابری اجتماعی، از جمله آرمان‌های نظام مالی اسلام به شمار می‌رود. عدالت و مساوات مهم‌ترین اولویت اسلام و آموزه‌های اقتصادی آن است. اصول کلی و اعتقادی اسلام دربردارنده ارزش‌هایی همچون برابری، تعاون و عدالت اجتماعی است. چنان‌که گفته شد، توزیع عادلانه ثروت تأمین مایحتاج زندگی برای نیازمندان و حمایت از ضعفا در برابر مشکلات اقتصادی از جمله اهداف عالی عدالت اجتماعی است که با بررسی برخی از سازوکارهای بانکداری اسلامی مشخص شد بانکداری اسلامی می‌تواند به تحقق آن کمک کند. نظام مالی اسلام بر اساس ممنوعیت مطلق پرداخت یا دریافت هرگونه بهره از پیش تعیین‌شده بنا شده است. معاملات بدون بهره مانع از بهره‌کشی اقتصادی می‌شوند و عدالت اجتماعی را تضمین می‌کنند. همچنین حذف نرخ بهره از تمرکز و انباشت ثروت جلوگیری می‌کند و منجر به دستیابی هرچه بیشتر به عدالت اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، در اسلام توزیع ناعادلانه ریسک جایز نیست و در بانکداری ناب اسلامی، هم سرمایه‌گذار و هم سرمایه‌پذیر نتایج پروژه را به صورت عادلانه و برابر با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. مشارکت در ریسک و بازده با توزیع هرچه عادلانه‌تر منابع منجر به ارتقای عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌شود؛ بنابراین، شاخصه تسهیم ریسک در نظام مالی اسلام عدالت، ثبات و رشد را به ارمغان می‌آورد. از جنبه مسئولیت، واسطه‌گری مشارکتی مبتنی بر سپرده‌های سرمایه‌گذاری و از جنبه دارایی، مشارکت و مضاربه بهترین ابزار برای اجرای عدالت اجتماعی از طریق تسهیم ریسک است که منجر به توزیع عادلانه ثروت می‌شود. اصل

پشتوانه‌ دارایی از جمله اصولی است که از بانکداری اسلامی در مقابل بحران‌های مالی بازدارنده رشد حفاظت می‌کند و مانع از توزیع ناعادلانه درآمدها می‌گردد. بانکداری اسلامی می‌تواند مسئله شمول مالی یا دسترسی به منابع مالی را از طریق قراردادهای تسهیم ریسک حل کند و از این طریق در راستای برقراری عدالت اجتماعی گام بردارد. عدم دسترسی به منابع مالی یکی از دلایل اصلی فقر است که بانکداری اسلامی با فراهم‌سازی فرصت دسترسی به اعتبار برای فقرا امکان سرمایه‌گذاری و درآمدزایی را برای آنان فراهم می‌کند. برقراری تعادل و عدالت اجتماعی مستلزم توجه به افراد کم بضاعت جامعه است. بانکداری اسلامی از طریق فرایندهایی همچون اعتباردهی خرد و قرض‌الحسنه منجر به کاهش بیکاری و نابرابری‌های اجتماعی و افزایش بهره‌وری فقرا و افراد کم‌بضاعت می‌شود و با تأمین مالی مشاغل کوچک و کارگران در راستای غلبه بر محرومیت مالی و ترویج برابری و مساوات در جامعه گام برمی‌دارد. نظام بانکداری اسلامی در ایران به دلیل وجود چالش‌هایی همچون: قوانین متعارض، صوری بودن بخشی از عملیات بانکی، عدم استقلال نهاد ناظر (بانک مرکزی) بر نظام پولی، عدم وجود سازوکار حسابرسی کارآمد و شفاف، عدم شفافیت و پاسخگویی نهاد ناظر (بانک مرکزی) بر نظام پولی و غیره دارای آسیب‌های جدی بوده که خود حاکی از ضرورت ارائه راهکارهایی جهت رفع این آسیب‌هاست.

منابع

کتاب

۱. اسلامی، رضا و لادن فرومند، *خصوصی‌سازی و توسعه حقوق بشر*، چاپ دوم، انتشارات جنگل، ۱۳۹۴.
۲. السان، مصطفی، *حقوق بانکی*، چاپ چهارم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۴.
۳. توسلی، حسین، *مبانی نظری عدالت اجتماعی*، انتشارات مدیریت بهره‌وری بنیاد مستضعفان و جانبازان، ۱۳۷۵.
۴. تهرانی، رضا و عسگر نوربخش، *فرهنگ مالی و سرمایه‌گذاری*، چاپ اول، انتشارات نگاه دانش، ۱۳۸۹.

۵. حسنی، فرنود، سهیلا سلطانی و فرشته ضرابیه، **مدیریت بانکداری الکترونیکی**، چاپ اول، انتشارات سبزان، ۱۳۸۷.
۶. سلطانی، محمد، **حقوق بانکی**، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
۷. شایگان، فریده و همکاران، **تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر** (زیر نظر: ممتاز، جمشید)، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۸. کاتوزیان، ناصر، **فلسفه حقوق**، جلد ۲، چاپ دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۹. متین‌دفتری، احمد، **حقوق بشر و حمایت بین‌المللی آن**، انتشارات بهمن، ۱۳۴۸.
۱۰. محقق‌نیا، محمدجواد و همکاران، **درآمدی بر شاخص‌های بانکداری اسلامی**، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴.
۱۱. نظرپور، محمدتقی، سیدعباس موسویان و ایوب خزایی، **بانکداری اسلامی**، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۵.
۱۲. نظری نژاد، محمد و بهمن نظری نژاد، **مرجع کامل فارکس**، جلد ۱، چاپ چهارم، انتشارات ترانه، ۱۳۸۹.
۱۳. والاس، ربکا و الگا مارتین ارتگا، **حقوق بین‌الملل**، (ترجمه: زمانی، سید قاسم و مهناز بهراملو)، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۲.
۱۴. هاشمی، سیدمحمد، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۴.
- مقاله
۱۵. ابریشمی، حمید، ابوالقاسم توحیدی‌نیا و احمد حشمتی مولائی، **مخاطره اخلاقی در عملیات بانکی بدون ربا**، دانش مخاطرات، دوره ۱۳۹۵، ۳، شماره ۱.
۱۶. بالونزاد نوری، روزبه و امیرعلی فرهنگ، **اثر شمول مالی بر کارایی و پایداری مالی: کاربردی از رویکرد شاخص‌سازی چندبعدی**، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۶، ۱۴۰۰، شماره ۲.

۱۷. طباطبایی نژاد، سید محمد، محمود باقری و هدایت فرخانی، **عدم تقارن اطلاعات در حقوق بانکی: مطالعه موردی قراردادهای تسهیلات سندیکایی**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۷، ۱۳۹۶، شماره ۱.

۱۸. عباسیان، عزت‌اله و کلثوم روشنی، **مدل‌سازی علل تنگنای اعتباری در ایران: رهیافت DSGE**، نشریه علمی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۹۹، شماره ۹۵.

پایان‌نامه

۱۹. متانی، محمدعلی، «حقوق تنظیمی امور بانکی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان»، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۸.

References

Books

1. Akkari, A., et al., *Intercultural Approaches to Education: From Theory to Practice*, Springer, 2022.
2. Al-San, Mostafa, *Banking Law*, 4th edition, Publications of Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Samt), 2014. (in Persian)
3. Angelle, P., *A Global Perspective of Social Justice Leadership for School Principals*, Information Age Publishing, 2017.
4. Askari, H., et al., *Globalization and Islamic Finance "Convergence, Prospects, and Challenges*, Wiley, 2010.
5. Azid, T., & Sunar, L., *Social Justice and Islamic Economics: Theory, Issue and Practice*, Routledge, 2019.
6. Chung, R., & Bemak, F., *Social Justice Counseling: The Next Steps Beyond Multiculturalism*, Sage, 2012.
7. El Tiby, A. M., *Islamic Banking: How to Manage Risk and Improve Profitability*, John Wiley & Sons, Inc., 2011.
8. Eslami, Reza & Ladan Forumand, *Privatization and Development of Human Rights*, Second Edition, Jungle Publications, 2014. (in Persian)
9. Farugh Ahmad, A. U., *Developments in Islamic Banking Practice: The Experience of Bangladesh*, Universal Publishers, 2010.
10. Farugh Ahmad, A., & Hassan, M., *Riba and Islamic Banking*, *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, 2007.
11. Hasani, Farnoud, Soheila Soltani & Fereshte Zarrabieh, *Electronic Banking Management*, first edition, Sabzan Publications, 2017. (in Persian)
12. Hashemi, Seyyed Mohammad, *Human Rights and Basic Freedoms*, first edition, Mizan Publications, 2005. (in Persian)
13. Hassan, M.K. & Lewis, M.K., *Handbook of Islamic Banking*, Edward Elgar Publishing Limited, 2007.
14. Horton, R., *Critical Perspectives on Social Justice in Speech-Language Pathology*, IGI Global, 2021.
15. ILO, *Advancing Social Justice, International Labour Conference*, 111th Session, 2023.
16. Iqbal, M., & Molyneux, P., *Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects*, Palgrave Macmillan, 2005.
17. Katouzian, Nasser, *Philosophy of Law*, volume 2, second edition, Sahami Publishing Co., 2013. (in Persian)

18. Kettell, B., *Introduction to Islamic Banking and Finance*, Wiley, 2011.
19. Khechen, M., *Social Justice: Concepts, Principles, Tools and Challenges, Economic and Social Commission for Western Asia (ESCWA)*, 2013.
20. Mateen Doferi, Ahmad, *Human Rights and its International Support*, Bahman Publications, 1969. (in Persian)
21. Mohaghegnia, Mohammad Javad et al., *An Introduction to Islamic Banking Indicators*, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications (RA), 2014. (in Persian)
22. Nazarinejad, Mohammad & Bahman Nazarinejad, *Forex Complete Reference*, Volume 1, 4th Edition, Tarane Publications, 2019. (in Persian)
23. Nazarpour, Mohammad Taqi, Seyyed Abbas Mousavian & Ayub Khazaei, *Islamic Banking*, Publications of Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities (Samt), 2015. (in Persian)
24. Nota, L., et al., *Sustainable Development, Career Counselling and Career Education*, Springer, 2020.
25. Park, C., & Allaby, M., *Oxford Dictionary of Environment and Conservation*, Oxford University Press, 2013.
26. Perrin, K. M., *Working in Community Health: Foundations for a Successful Career*, Jones & Bartlett Learning, 2023.
27. Reimer, L., & Standish, K., *Perspectives on Justice, Indigeneity, Gender, and Security in Human Rights Research*, Springer, 2023.
28. Reisch, M., *The Routledge International Handbook of Social Justice*, Routledge, 2014.
29. Riele, K., et al., *Incarcerated Young People, Education and Social Justice*, Springer, 2023.
30. Sari, O., *The Idea of Social Justice*, Livre de Lyon, 2022.
31. Shaygan, Farideh et al., *strengthening international cooperation in the field of human rights* (supervised by: Mumtaz, Jamshid), first edition, Tehran University Press, 2012. (in Persian)
32. Soltani, Mohammad, *Banking Law*, first edition, Mizan Publications, 2019. (in Persian)
33. Tavoli, Hossein, *Theoretical Foundations of Social Justice*, Publications of Productivity Management of Mustafafan and Janbazan Foundation, 1996. (in Persian)
34. Tehrani, Reza and Asgar Nourbakhsh, *Finance and Investment Culture*, First Edition, Negah Danesh Publications, 2019. (in Persian)

35. Van Greuning, H., & Iqbal, Z., *Risk Analysis for Islamic Banks*, The World Bank, 2008.
36. Venardos, A. M., *Islamic Banking and Finance in South-East Asia: Its Development and Future*, World Scientific Publishing, 2005.
37. Vicary Abdullah, D., & Chee, K., *Islamic Finance: Why it Makes Sense*, Marshall Cavendish International, 2010.
38. Wallace, Rebecca & Olga Martin Ortega, *International Law*, (Translation: Zamani, Seyyed Qasim and Mahnaz Behramlou), Shahr Danesh Publications, 2012. (in Persian)
39. Ward, C., *Achieving Equity in Higher Education Using Empathy as a Guiding Principle*, IGI Global, 2022.

Articles

40. Abbasian, E & Roshni, K, "Modeling the causes of credit crunch in Iran: DSGE approach", *Scientific Journal of Economic Research and Policy*, 2019, No. 95. (in Persian)
41. Abrishmi, H, Tohidinia, A & Hashmati Moulai, A, "moral risk in banking operations without usury", *Risk Knowledge*, Volume 3, 2015, NO 1. (in Persian)
42. Balunjad Nouri, R & Farhang, A, "the effect of financial inclusion on financial efficiency and sustainability: an application of the multidimensional indexing approach", *Modern Economy and Trade Quarterly, Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, 2021, 16, No. 2. (in Persian)
43. Franzoni, S., & Ait Allahi, A., "Principles of Islamic Finance and Principles of Corporate Social Responsibility: What Convergence?", *Sustainability* 10, NO 3, 2018.
44. Tabatabaiejad, S M, Bagheri, M & Farkhani, H, *Information Asymmetry in Banking Law: A Case Study of Syndication Facility Contracts*, *Private Law Studies Quarterly*, Volume 47, 2016, No 1. (in Persian)

Thesis

45. Matani, M A, "Regulatory Laws of Banking Affairs in the Legal Systems of Iran and England", Doctoral Dissertation of Public Law, Shahid Beheshti University, 2018. (in Persian)

Islamic Banking and Social Justice

Mohammadali Matani*
Bahar Golkar Esmaeel**

Abstract

Islamic banks unlike conventional banks, whose main objective is to maximize profits through the facilities provided, are required to comply with some principles such as prohibition of Riba (interest), prohibition of Gharar, prohibition of earning income through investment in illegal activities, the principle of profit and loss sharing and the principle of Asset Backing which lead to the distinction of this type of banking from conventional ones. On the other hand, all financial contracts in Islam are based on the principle of justice and social justice is one of the most important goals of the Islamic banking system. Equitable distribution of wealth, providing the life necessities for the needy; providing equal access to financial resources and supporting the weak against economic problems are among the highest goals of social justice which Islamic banking can help to achieve. In this research, in order to analyze the effect of these principles in the establishment of social justice, we intend to study the differences between Islamic and conventional banking and have a brief overview of the fundamental principles of Islamic banking and address the question of whether Islamic banking mechanisms have the necessary efficiency to achieve social justice through a descriptive-analytical method by library information collection.

Keywords:

Islamic Banking, Financial Inclusion, Microcredits, Profit & Loss Sharing, Equitable Distribution of Wealth.

* PhD., Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
ma.matin46@yahoo.com

**L.L.M, Faculty of Law, Islamic Azad University: Tehran Central Branch, Tehran, Iran.
b2020esmail@yahoo.com